

به نام خدا

نماز قلعه ی خدای بسیار مهربان و وسیله ای برای دور کردن شیطان است.

حضرت علی (ع)

اهمیت و ضرورت فریضه نماز

اهمیت نماز به قدری مهم است که قرآن بعد از ایمان آن را متذکر شده است " یقیمون الصلوه " از این جا به اهمیت نماز پی می بریم زیرا یکی از پایه های دین شمرده شده است و در راس همه عبادتها نماز است، اسلام بدون نمازهرگز معنایی ندارد، نماز خود سازی است، قرآن عجیب سخن می گوید: " ای اهل ایمان! از نماز استمداد کنید، اگر شما میخواهید در اجتماع یک مسلمان واقعی باشید و می خواهید یک مجاهد نیرومند باشید . باید نماز خوان خالص و مخلص باشید اهمیت نماز در جریان اجتماعی شدن نیز بسیار مهم است عمده ترین فریضه مذهبی که در فرآیند اجتماعی شدن . افکار نگرش و رفتارهای مذهبی کودکان و نوجوانان را تحت تاثیر قرار می دهد نماز است اگر ما بتوانیم نماز را به عنوان یک هنجار مذهبی در رفتار و کردار فرزندان خود درونی سازیم قدم اساسی برای تربیت دینی آنها برداشته ایم نماز در ایجاد و حفظ شخصیت سالم مذهبی افراد جامعه نقش دارد و دارای اثرات مثبت اجتماعی است نکته مهم: توجه دادن جوان به نماز . ایجاد رابطه ی انس او با خدا احساسات مذهبی او را اقناع میکند تمایلات طبیعی و هواهای نفسانی او را مهار کرده و رفتار او را تحت کنترل در می آورد.

نماز و نوجوانان

نماز تسبیح اکبر و کامل ترین پاسخ به عالی ترین نیاز انسان است، نیاز به شکفتن همه قابلیت های وجود، نیاز به هم نوایی با راز و رمز آفرینش و نیاز به تقرب و توحید، این نیاز فطری ترین نیاز انسان و هموارکننده راه فلاح و کمال وجود است نماز فطری ترین پاسخ این نیاز، نماز رکن اصلی دین است و باید اصلی ترین جایگاه را در زندگی مردم داشته باشد. هیچ وسیله ای مستحکم تر و دایمی تر از نماز برای ارتباط میان انسان با خدا نیست. همه انسان ها به ویژه کودکان و نوجوانان به لحاظ فطرت پاک خود به طرف دین و دستورهای دینی گرایش دارند اما ممکن است عواملی مانع از ظهور رفتارهای مذهبی در آنان شود. میل به پرستش نماز یک امری فطری است. انسان فطرتا نیایش و نماز را دوست دارد انسان به مقتضای آن که با فطرت الهی آفریده شده و با سرشت خدایی عجین شده دارای فطرتی کمال جو و خدا خواه است و نماز متعالی ترین شکل نیایش و کامل ترین شیوه بیان نیاز به درگاه ایزد بی نیاز است. پیامبران الهی که پیام آور توحید و یکتاپرستی هستند همگی یک صدا جهانیان را به ستایش پروردگار و انجام فریضه الهی دعوت می کنند که در این میان یکی از فرائض دینی که همه ادیان به آن توجه داشتند فریضه واجب نماز است.

آثار نماز

از آن جا که انسان پرتوی از سرشت الهی دارد ذکر خدا و اقامه نماز موجب افزایش قابلیت های معنوی انسان و ترک نماز و غافل شدن از یاد خدا موجب احساس بی هویتی و افتادن در ورطه گمراهی می شود. قرآن کریم برای گریز از این گرداب ها و نجات یافتن از این امواج پر تلاطم و نا آرام ذکر خدا و یاد خدا را توصیه می کند. اثر

وضعی نماز چیره شدن بر شیطان و زدودن زنگارهای گناه از دل نماز گزار و به منزله کفاره گناهان است. امام رضا(ع) می فرماید: «نماز و ذکر خدا در شب و روز موجب می شود که انسان خالق و مولای خود را فراموش نکند و روح سرکش و طغیان بر او چیره نشود.

نماز در آینه وحی
نماز از مهم ترین توصیه های پیامبران به فرزندان شان و نور چشم پیامبر(ص) است. نماز

تکبر را می زداید و پشتوانه انسان در غم ها و مشکلات، پایه دین، پرچم اسلام، کلید بهشت و وسیله آزمایش حرام است.

عوامل موثر در گرایش نوجوانان و جوانان به نماز:

خانواده:

آموزش نماز و پرورش روحیه مذهبی مناسب برای اقامه آن . ابتدا از خانواده شروع میشود و خانواده نقش مهمی در انتقال فرهنگ نماز از خود بروز میدهد . آنچه در مورد فرزند در گرایش به نماز مهم است . وجود انگیزه است و آنچه در تربیت و آموزش نماز اهمیت دارد روح معنوی نماز به اعماق دل اوست . نه تحمیل شکل و

قلب او. زمانی آموزش نماز به توفیق می انجامد و قرین موفقیت میشود که با احساس خوشایند همراه باشد ربدهی است زمانی که نوجوان در معرض یادگیری و آموزش احکام و عبادات قرار دارد. لازم است از قبل برای این موضوع زمینه سازی شود تا همراه آموزش. احساس خوشایند در او ایجاد گردد و به این ترتیب نتیجه ی مطلوب به بار آورد در این صورت تقویت چنین گرایش فطری نیز بسیار آسان و طبیعی خواهد بود زمانی نوجوان الگوهای رفتاری مطلوب خویش را در موقعیتهای و شرایط مختلف زندگی در رفت و آمدها میهمانیها و برخوردهای بستگان و دوستان و از جمله حضور آنان در صفوف نماز جماعت مشاهده میکند احساس شادمانی شوق و شغف سراسر وجودش را فرا می گیرد و عمیقاً "نسبت به رفتار آنها کنجکاو میشود و از آنان الگو میگیرد.

مدرسه:

در مدرسه نیز هنگامی که نوجوانان و جوانان در موقعیتهای مختلف اوقات تحصیل و هنگام شنیدن اذان مشاهده میکنند که معلمان و مربیان بی هیچ تکلفی مشتاقانه به سوی نماز می شتابند در احساس همانندسازی به شوق و رغبت در می آیند و به اقامه نماز گرایش فزونی پیدا میکنند هر قدر شخصیت الگوهای تربیتی و پرورشی برای دانش آموزان محبوب و دوست داشتنی باشد تاثیر پذیری آنها افزایش می یابد روشن است که هرگز نباید به اجبار و تحمیل و فشار دانش آموزان را به انجام فریضه نماز وادار کنیم در عوض شایسته است پیش از هر چیز جاذبه های رفتار خود را در بیان ارزشها با فراهم کردن مقدمات نماز افزایش دهیم اگر چنین فضایی در مدارس حاکم

باشد روحیه معنوی دانش آموزان افزایش می‌یابد و در نماز خانه مدرسه ارتباط شوق آمیز همسالان گسترش پیدا میکند.

رسانه ها:

رسانه‌ها فن آوری عظیمی هستند که دنیای ما را به تسخیر خود در آورده اند و پس از خانه و مدرسه از دیگر عوامل تاءثیر گذار بر روح کودک و نوجوان هستند رسانه ها از نخستین دوران زندگی تا پایان حیات انسان به عنوان عامل آموزنده و تاءثیر گذارنده بسیار قوی نقش دارند بنابر این در تهیه . تولید و پخش برنامه از طریق رسانه ها برای کودکان و نوجوانان باید بسیار دقت کرد و برای این مسئله مهم یعنی آموزش و پرورش احساسات و گرایشهای دینی بویژه نماز بیشترین اهمیت را قائل شد رسانه جمعی یکی از عوامل موءثر و مهم زندگی است و باید با خواست و ارزشهای معنوی خانه و خانواده و جامعه همسو و هماهنگ باشد تا بتواند گرایش به نماز اول وقت را در نوجوانان و جوانان زنده نگه دارد.

نتیجه گیری :

برای رسیدن به روح و پیام معنوی نماز و درک فضیلت وقت نماز تاکید بر ضرورت ایجاد نظامی متشکل از خانه مدرسه و رسانه به صورت مجموعه‌ای هماهنگ و حرکت کننده در یک جهت واحد امری است منطقی و اجتناب پذیر مینماید باید این مجموعه به هم پیوسته برای انتقال فرهنگ نماز هماهنگ و از همه بالاتر همدل باشند اگر شیوه

های تربیتی مربوط به نماز و برنامه‌های زمینه ساز و جانبی اوقات فراغت در خانه مدرسه و رادیو و تلویزیون متناقض باشند کودکان و نوجوانان به شکل صحیح به نماز گرایش پیدا نخواهند کرد و روح حقیقی نماز در وجود آنان تحقق نخواهد یافت.

عوامل دوری جوانان از نماز

محیط خانواده و بی توجهی والدین

بی توجه بودن یا کم توجهی پدر و مادر یا مربی خانواده نسبت به فرزندان در محیط خانه و سطحی نگری آنان در ابتدای نوجوانی فرزندان یا احیاناً بی مبالا تی اعضای خانواده نسبت به مسائل دینی خصوصاً فریضه نماز تاثیر بسزایی در تربیت فرزندان به جای می گذارد. بعنوان مثال فرزند اگر در خانه ای رشد کند که در آن خانه کسی به نماز اهمیت ندهد یا در قبال مسائل دینی خود را مسوول ندانند یا خود اهل نماز باشند ولی فرزند خانواده را تحریص و تشویق به نماز ننمایند قطعاً فرزند آن خانواده اهل نماز و عبادت نخواهد شد البته شاید در آینده بر اثر عوامل دیگر به نماز روی آورد که این احتمال ضعیفی است. نوجوانی نوشته بود که چگونه از من انتظار نماز خواندن برود در حالیکه در خانه ما هیچ یک اهل نماز نیستند و دیگری بیان کرد که توقع نماز خواندن از کسی که هیچ یک از اعضای خانواده اش اهل نماز نباشند، توقع بی جایی است. بسیار روشن و مسلم است که چنین فرزندانی به زودی به عبادت تن در نخواهد داد. کانون خانواده مهمترین عامل در این زمینه محسوب می شود چون کانونی که جوان در آن رشد یافته کانون بی تفاوتی بوده است و هرگز کسی از طریق محبت و تشویق یا از راه قهر و تهدید او را به امور عبادی وادار نکرده یا از او نخواسته است. چه بسا این جوان نسبت به سایر امور زندگی فردی سر به زیر و تسلیم پذیر و با شخصیتی از دیدگاه خانواده باشد و لیکن اهل نماز و دیانت نیست. این بدان

جهت است که والدین در آن امور تاکید داشته اما در امور دینی اصراری به خرج نداده اند و اگر در بعد دینی توجه داشتند قطعاً خللی در او مشاهده نمی کردند.

عدم آگاهی و بینش کافی از فریضه نماز عالم نبودن به محتوای نماز، درک پایین و بسیار اندک نسبت به تاثیر آن، عدم توجه به جایگاه نماز در اسلام، نداشتن انگیزه و هدف در اقامه و برپایی آن، آشنا نبودن به اسرار و فلسفه نماز و درخواست امور مادی از خدا و عدم دست یابی به آن یکی از عواملی است که جوانان را از این فرضیه الهی دور نگه داشته است. در گفته ها و نوشته های بسیاری از آنان این نکته جلب توجه می کرد که ما نمی دانیم برای چه باید نماز خواند. اگر نماز را نخوانیم چه می شود. با ترک نماز چه چیزی را از دست خواهیم داد و ظاهراً مشاهده می شود آنان که نماز را برپا می دارند با کسانی که تارک نمازند فرقی نمی کنند. اگر نماز باید در زندگی افراد موثر واقع شود پس چرا این اثر ملموس نیست و چرا این مرزبندی را عملاً ما نمی بینیم؟ مگر خدا به دو رکعت نماز ما محتاج است؟ جوان باید قلبش پاک باشد، انسان باید با دوستان و همسایگان و نزدیکان و هموعان خود رفتار شایسته ای داشته باشد. خدا این ها را از ما خواسته است. نه این که نماز بخوانیم و در عین حال صد ها عمل ناشایست را مرتکب شویم. اصل این است که ما انسان خوبی باشیم حال چه قائم به نماز باشیم یا تارک آن. پس ملاک انسان خوب بودن، نماز خواندن نیست بلکه دل و قلبی پاک داشتن است. همه این گفته ها حاکی از آن است که شناخت لا زم و آگاهی کافی از فضائل نماز و جایگاه آن در اسلام برای کثیری از نوجوانان و جوانان حاصل نشده است.

سستی و تنبلی

بعد از دو عامل مذکور، علت دیگری که در ترک یا بی توجهی به نماز بیان شده است عنصر و عامل تنبلی است. غالباً نوجوانان و جوانان به آسانی تن به فعالیت نمی دهند مگر در اموری که بیشتر جنبه احساسی و هیجانی داشته یا در اموری که با انگیزه و شناخت قبلی همراه باشد. برای فردی که چند سال است به سن تکلیف رسیده قدری مشکل است در هوای سرد زمستان آستین خود را بالا زند و با آب سرد وضو بگیرد یا کفش و پوتین از پایش در آورد و مسح نماید به همین خاطر گاهی از نماز خواندن طفره می رود یا برای او دشوار است که از خواب نوشین صبح گاهی بزند و نمازش را بخواند و...

همنشینی با دوستان ناباب

بدیهی است که نقش بسیار مهم دوستان در شکل دهی شخصیت انسانی خصوصا در سنین نوجوانی و جوانی را نباید نادیده انگاشت. دوستان شایسته و خوب در سوق دادن انسان به سوی سعادت و کمال موثرند و دوستان ناشایست در انحراف آدمی به سمت ناهنجاری های اخلاقی. چه بسا جوانانی که در مسائل دینی علاقمند و به دینداری خود راغبند و لیکن در محیط های مختلف از قبیل محل هایی که در آن زندگی می کنند یا محیط کار و تحصیل که در آن ساعاتی را سپری می سازند با افرادی آشنا شوند که به تدریج او را در دام بی دینی و لاپالایی گری گرفتار می کنند.

فساد اخلاقی

برخی از جوانان در علت دوری از نماز و تعالیم دینی و مذهبی، مفسد اخلاقی را بسیار موثر می دانند. البته این عامل در خانواده ها و محیط های مختلف دارای شدت

و ضعف است و در بروز و ظهور آن می توان عللی را برشمرد که هرکدام از آن عوامل به تنهایی می تواند در ایجاد آن و انحراف شخص کافی باشد.

مزاحم دانستن نماز برای کارهای شخصیرخی چون در وقت نماز مشغول کارها و اعمال شخصی خود هستند فرصت این که نماز را در اول وقت آن اقامه کنند ندارند و وقتی که فرصت های اولیه برای اقامه و برپایی نماز از دست برود تدریجا بعد از استراحت چون دوباره مشغول فعالیت می شوند اقامه نماز را مانعی برای انجام کار های خود می دانند. البته خواهیم گفت که این عامل به بهانه شبیه تر است یک علت برای ترک یا بی توجهی به نماز.

تکبر و غرور

عامل دیگری که در ترک نماز و سایر فرایض عبادی می تواند موثر باشد غرور جوانی و تکبر و بزرگ منشی برخی از افراد است. صفت غرور از پست ترین اوصاف انسانی است که شاید بتوان گفت منشا تمام گناهان و معاصی می گردد. هرگاه این خصلت در کسی پا بگیرد و استقرار یابد فرد را به مهلکه های بزرگی می کشاند با متصف شدن به این صفت فرد چنین می پندارد که اگر در مقابل خدای خود سجده کند کوچک می گردد بنابراین برای اینکه بزرگی و غرورش محفوظ بماند در مقابل هیچ کس نباید سر تعظیم فرود آورد ولو در مقابل خداوند متعال. فلذا این خیالبافی شاعرانه و تصورات جاهلانه او را از همه اوامر متعبدانه دور ساخته و مانعش می شود که او در مسیر سعادت خویش گام بردارد. این همان وصفی است که وقتی در ابلیس ظاهر و آشکار شد در مقابل دستور صریح خداوند سر باز زد و حاضر نشد امر الهی را در سجده بر آدم امثال نماید.

تسویف (واگذاری امور به آینده)

برخی از جوانان با توجه به اینکه چند سالی است که وارد سن تکلیف شده و در مقابل تعالیم و دستورات دین مکلف می باشند و بر آنها واجب است که به احکام دینی گردن نهند ولی با این توجیهاات که ما هنوز جوانیم و تازه اوایل عمر ماست و بهانه هایی از این قبیل اعمال دینی را ترک می کنند. جوان در بسیاری از مواقع نماز نخواندن خود را این چنین توجیه می کند که من بعدا می خوانم یا قضای آن را به جا می آورم. عمر طولانی در پیش است پس می توان اعمالی که امروز از من ترک می شود در سنین پیری و زمان بیکاری انجام داد یا توبه کرد. بنابراین عملی که در آینده قابل جبران باشد و از طرفی مغفرت و بخشش الهی آن را شامل گردد جای نگرانی نیست.

ضعف اعتقادی

عامل دیگری که در روحیه جوانان می تواند تاثیر زیادی را بگذارد باورهای دینی و تقویت روحیات مذهبی است که بخش عمده این مسوولیت برعهده مبلغان دینی می باشد. امروزه بخش عظیمی از جوانان که بهترین و مهم ترین، قشر جامعه محسوب می شوند از ضعف اعتقادی رنج می برند. در کتب درسی خوانده اند که خدا و قیامتی هست و مسائل دینی تا حدودی به آنان گفته شده و لیکن به باور و یقین نرسیده است. اصول اعتقادی را به صورت مستدل و متقن فرا نگرفته بلکه اصول را چون فروع مقلدانه باور دارد. تعالیم دین را با انگیزه و اعتقاد انجام نمی دهد و بیش از آنکه با درایت و بینش همراه باشد با احساس و عاطفه با امور دینی برخورد دارد. این ضعف در عقیده و عدم استواری آن بر پایه منطق موجب می گردد که جوان به مسائل دینی آن اهمیت خاص را قائل نباشد یا پای بند کامل به تعالیم دینی را نداشته باشد. به همین جهت بسیار دیده می شود که بعضی از افراد، نماز خواندنشان موسمی و

فصلی است. این نیست مگر از ضعف اعتقادی فرد و تا این ضعف جبران نگردد، مشکل فوق قابل حل نخواهد بود.

رفتار نامناسب مبلغان دینی

ابتدا این نکته را متذکر شوم که منظور از عنوان مزبور، انکار یا زیر سوال بردن مبلغان متعهد و متدین خصوصا روحانیون وارسته ایی که حیات خویش را صرف تبلیغ دین نموده اند نیست بلکه توجه دادن به این نکته است که باید برخورد با جوانان بسیار با ظرافت و دقت انجام گیرد. چون چه بسا جوانانی که مقید به موازین دینی باشند ولی با یک عکس العمل فردی که لباس دین بر تن کرده است از دین بیزار گردند. تحقیقات و نظرسنجی ها گویای این حقیقت است که برخی از جوانان به خاطر دوستی و صمیمیت و ارتباط نزدیکی که با طلاب و روحانیون خصوصا طلبه جوان پیدا کرده که باید از آن به عنوان یک پدیده میمون و مبارک نگریست رفتاری را مشاهده می کنند یا سخنانی را می شنوند که موجب سستی و وهن آنها از دین می گردد. به عنوان مثال اگر جوانی مشاهده کند که یک روحانی در محفلی نشسته و مشغول صحبت و احیانا غیبت دیگران است و توجهی به نماز در اول وقتش ندارد یا در رفتار با کسی تندی می کند این اعمال، تاثیر منفی اش را بر روحیه دیگران باقی می گذارد. این هم عاملی است که برخی از جوانان بیان می دارند. علاوه بر موارد دهگانه ایی که بیان شد عاملی چون مشکلات مادی، کاستی در تبلیغات، نداشتن مشوق، مشکل ازدواج، وجود آلودگی اخلاقی برخی از محیط های محلی، عدم جاذبه کافی مساجد و مکان های عبادی و عدم رعایت مسائل بهداشتی در مساجد و نمازخانه ها از دیگر عواملی هستند که در ترک و رویگردانی یا کم توجهی نوجوانان و جوانان به مسائل عبادی خصوصا نماز تاثیر بسزایی دارند که باید در رفع و حل آن

کوشا بود. نتیجه گیری کانون خانواده اولین و بهترین مدرسه ای است که نسل های جوامع بشری از آنجا رشد می یابند بنابراین اگر والدین یا مربیان خانواده افراد مدیر و با مسوولیتی باشند قطعا کانون خانواده محیط سالمی برای تعالی و رشد افراد آن خانواده خواهد بود و بالعکس اگر مربی خانواده انسان غیرمسوول و بی قید و شرطی باشد قطعا افرادی که از آن خانه وارد اجتماع می شوند انسان های مفیدی برای اجتماع نخواهند بود و به همین خاطر دین مسوولیت سنگین و خطیری را برعهده خانواده گذاشته و ادب و تربیت فرزند را به عنوان بهترین عمل صالح وارثی ماندگار یاد کرده است. در نصوص و روایات که از ائمه معصومین (علیهم السلام) و رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله و سلم) به ما رسیده بخش عمده ای از آن را احادیث اخلاقی و تربیتی تشکیل می دهد که توجه به آنها می تواند تاثیر بسزایی در تربیت دینی فرزندان ایران اسلامی داشته باشد.

« دزد ترین مردم کسی است که از نمازش کم بگذارد. »

حضرت علی (ع)